Iran Varzeshi Newspaper

iranvarzeshii

www.INN.ir/sport

• سه‌شنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ • ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
• سال سی‌ام • شماره ۸۲۰۰

ایران ورزشی

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
• سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
• سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
• تلفن: ۱۴ـ۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
• چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ ۸۸۷۴۶۵۸۳
• امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

تارتار و یک «نقطه سیاه» در دربی؛ خاطره‌ای که هنوز فراموش نشده است

مهدی تارتار حالا پس از سال‌ها انتظار، به نیمکت پرسپولیس رسیده و یکی از مهم‌ترین رؤیاهای دوران مربیگری‌اش را محقق کرده است؛ اما نام او در تاریخ شهرآورد تهران، پیش از این نیز با اتفاقی جنجالی گره خورده بود.
تارتار در دوران بازی، چند فصل پیراهن پرسپولیس را بر تن کرد و در دربی معروف ۹ دی ۱۳۷۹ نیز حضور داشت؛ مسابقه‌ای که با حواشی فراوان به پایان رسید.
پس از سوت پایان و در شرایطی که تنش میان بازیکنان دو تیم ادامه داشت، محمد نوازی و حمید استیلی با یکدیگر درگیر شدند. تارتار نیز از کنار نیمکت پرسپولیس خود را به محل درگیری رساند و وارد کتک‌کاری با هافبک استقلال شد.
این اتفاق سال‌ها بعد همچنان در خاطرات تارتار باقی ماند. او در سال ۱۳۹۱ صراحتاً از این رفتار ابراز پشیمانی کرد و درگیری با نوازی را «تنها نقطه سیاه ورزشی» خود دانست؛ خاطره‌ای تلخ از دربی که حالا سرمربی جدید پرسپولیس باید آن را از زاویه‌ای تازه مرور کند.

نقل قول

دربی مثل سابق جذاب نیست

فتح‌الله‌زاده: پول تعصب را از فوتبال گرفته است

علی فتح‌الله‌زاده، مدیرعامل پیشین استقلال، درباره کاهش جذابیت دربی تهران و تغییر فضای فوتبال ایران گفت: «به جرأت می‌گویم فوتبال ما در حال حرکت به سمت قهقراست. اگر کسی از این حرف ناراحت می‌شود، ناراحت شود، اما واقعیت این است که فوتبال امروز ما دیگر آن جذابیت گذشته را ندارد. حتی خود من وقتی فوتبال تماشا می‌کنم، احساس می‌کنم بخش زیادی از هیجان و جذابیتی که قبلاً وجود داشت، از بین رفته است.»
وی ادامه داد: «دلیل اصلی این اتفاق را باید در از بین رفتن تعصب جست‌وجو کرد. متأسفانه پول تعصب را از فوتبال گرفته است. در گذشته بازیکن برای پیراهن، هوادار برای تیم و مدیر برای موفقیت باشگاه می‌جنگیدند. رقابت فقط یک مسابقه فوتبال نبود؛ بخشی از هویت مردم بود. امروز اما مسائل مالی آنقدر پررنگ شده که بخش مهمی از این احساس و تعلق را تحت تأثیر قرار داده است.»
فتح‌الله‌زاده افزود: «من خودم در دوره مدیریتم در استقلال، بازیکن بزرگی مثل مهدی هاشمی‌نسب را از پرسپولیس به استقلال آوردم. طبیعتاً هواداران پرسپولیس از این انتقال ناراحت شدند اما کمتر کسی به من توهین کرد. چرا؟ چون رقابت را می‌فهمیدند. آنها می‌دانستند من برای استقلال تصمیم گرفته‌ام و حتی وقتی می‌گفتم پرسپولیس تیم دوم من است، این حرف را از سر احترام می‌زدم. آن زمان مدیران و هواداران دو تیم با وجود کری‌خوانی، برای یکدیگر احترام قائل بودند.»
مدیرعامل پیشین استقلال درباره تفاوت فضای گذشته با امروز اظهار کرد: «آن زمان مدیران بزرگی در فوتبال حضور داشتند و رقابت‌ها هم شکل دیگری داشت. وقتی مقابل مدیری مثل امیر عابدینی قرار می‌گرفتیم، رقابت جدی بود، اما این رقابت با احترام همراه می‌شد. حتی امروز هم وقتی دوستان قدیمی‌ام را می‌بینم، با وجود کری‌های استقلالی و پرسپولیسی، رابطه و احترام بین ما وجود دارد.» وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با اشاره به رفتار هواداران در گذشته گفت: «هوادار آن زمان تعصب عجیبی داشت. یک روز در دفترم به من گفتند هواداری با چاقو آمده و خیلی عصبانی است. گفتم اجازه بدهید بیاید داخل. وقتی وارد شد، شروع کرد به آسیب زدن به خودش. پرسیدم چه اتفاقی افتاده و گفت شنیده‌ام فلان بازیکن استقلال می‌خواهد از تیم جدا شود. این آدم حاضر بود به خاطر رفتن بازیکن تیمش چنین کاری کند. این نشان می‌دهد تعصب در آن زمان چه جایگاهی داشت.»
فتح‌الله‌زاده ادامه داد: «حتی خاطرم هست هواداری تماس گرفت و گفت ما فقیر نیستیم، اما آنقدر توان مالی نداریم که اگر تلویزیون خانه‌مان خراب شد، بلافاصله یکی دیگر بخریم. اینها هوادارانی بودند که زندگی‌شان با فوتبال گره خورده بود و برای تیمشان هزینه عاطفی و حتی مالی می‌کردند. این جنس هواداری امروز کمتر دیده می‌شود.»
وی در پایان گفت: «اگر می‌خواهیم دوباره دربی جذاب داشته باشیم، باید رقابت واقعی را به فوتبال برگردانیم. دربی زمانی جذاب است که دو تیم بازیکنانی داشته باشند که برای پیراهن و هوادارشان بجنگند و هوادار هم احساس کند بازیکن واقعاً متعلق به تیم است. پول لازم است، اما وقتی پول جای تعصب، هویت و عشق به پیراهن را بگیرد، طبیعی است که جذابیت فوتبال و دربی هم کم شود.»

از سوپرکلاسیکو و ال کلاسیکو تا تهران
چرا دربی‌های جهان حرفه‌ای‌تر شده‌اند؟

وقتی دربی، دربی نیست

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور
خبرنگار

روزی روزگاری، وقتی می‌گفتی «دربی»، دیگر نیازی به توضیح اضافه نبود. کوچه‌ها خلوت می‌شد، مغازه‌ها زودتر کرکره‌ها را پایین می‌کشیدند، خانواده‌ها دور یک تلویزیون جمع می‌شدند و شهر برای ۹۰ دقیقه، رنگ آبی و قرمز به خود می‌گرفت. دربی استقلال و پرسپولیس زمانی لقب «بزرگ‌ترین دربی ناشناخته جهان» را یدک می‌کشید؛ عنوانی که رسانه‌های بین‌المللی به‌دلیل حجم عظیم تماشاگران و شور و هیجانی که در ورزشگاه آزادی موج می‌زد، به این رقابت داده بودند. اما این روزها، وقتی نام دربی تهران را می‌شنویم، دیگر آن هیجان گذشته را با همان شدت احساس نمی‌کنیم. پرسش جدی این است؛ دربی تهران در کدام نقطه از مسیر، بخشی از جذابیت تاریخی خود را از دست داد؟

از آزادی تا اراک؛ دربی‌ای که دیگر خانه ندارد

شاید ملموس‌ترین و دردناک‌ترین نشانه افول دربی تهران، همین باشد که این بازی دیگر در تهران برگزار نمی‌شود. ورزشگاه صدهزار نفری آزادی، خانه تاریخی این رقابت، سال‌هاست درگیر پروژه بازسازی‌ای است که پایان آن همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. نتیجه روشن است: باشگاه‌ها برای برگزاری مهم‌ترین مسابقه فوتبال ایران، ناچار شده‌اند به شهرهای دیگر پناه ببرند.
دربی‌های اخیر در ورزشگاه امام خمینی اراک، با ظرفیتی معادل تنها ۱۵هزار نفر، برگزار شده‌اند؛ ظرفیتی که در مقایسه با تقاضای واقعی برای این مسابقه، به‌شدت ناچیز است. پیش از این نیز شهرهایی مانند تبریز و بندرعباس یک‌بار میزبان دربی بوده‌اند، اما تکرار این اتفاق در سال‌های اخیر، آن را از یک استثنا به الگویی تلخ و تکرارشونده تبدیل کرده است.
وقتی مهم‌ترین بازی یک کشور مجبور می‌شود «آواره» و در شهری با امکانات محدودتر برگزار شود، بخش مهمی از هویت آیینی و شهری دربی نیز از میان می‌رود. آن حس ویژه‌ای که تهران در روز دربی پیدا می‌کرد، آن ترافیک نمادین، آن پرچم‌هایی که بر بالکن خانه‌ها آویزان می‌شد، در شهری غریبه معنای دیگری پیدا می‌کند. بسیاری از هواداران نیز به‌دلیل هزینه و دشواری سفر، از حضور در ورزشگاه منصرف می‌شوند و دربی، به‌جای آنکه یک رویداد ملی و فراگیر باشد، به مسابقه‌ای محدود برای کسانی تبدیل می‌شود که توان و انگیزه سفر دارند.

ستاره‌ها رفته‌اند، هیجان هم با آنها

عامل دوم افت جذابیت دربی، خالی شدن ویترین دو تیم از بازیکنان ستاره است. در دهه‌های گذشته، دربی میدان رویارویی چهره‌هایی بود که نام‌شان به‌تنهایی می‌توانست میلیون‌ها نفر را پای تلویزیون یا به سمت ورزشگاه بکشاند. اما بحران مالی مزمن باشگاه‌ها و ناتوانی آنها در رقابت اقتصادی با لیگ‌های منطقه، باعث شده استقلال و پرسپولیس دیگر مقصد نخست بسیاری از بازیکنان باکیفیت نباشند.
در مقابل، مهاجرت بازیکنان خوب ایرانی به لیگ‌های عربی و آسیایی که دستمزدهای به‌مراتب بالاتری پیشنهاد می‌دهند، شدت گرفته است. نتیجه، دربی‌هایی است که از نظر تاکتیکی و فنی، الزاماً فاصله محسوسی با یک مسابقه معمولی لیگ ندارند؛ رقابت‌هایی که بیش از گذشته بر هیجان‌های حاشیه‌ای، کری‌خوانی و حساسیت تاریخی دو باشگاه متکی هستند تا کیفیت بالای فوتبال درون زمین.

رقابتی نامتوازن به نام دربی

بخش دیگری از این داستان به تعادل رقابتی میان دو تیم بازمی‌گردد. جذابیت هر دربی بزرگ در جهان، تا حد زیادی از عدم قطعیت نتیجه و برابری نسبی دو طرف سرچشمه می‌گیرد. وقتی هوادار نتواند پیش از سوت آغاز، برنده را حدس بزند، هر دقیقه از بازی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اما در سال‌های اخیر، فاصله سطحی و مدیریتی میان دو باشگاه گاه آن‌قدر افزایش یافته که پیش‌بینی نتیجه، دست‌کم روی کاغذ، برای بسیاری چندان دشوار نیست.
البته این مسأله به معنای برتری دائمی یکی از دو تیم نیست؛ فوتبال ذاتاً غیرقابل پیش‌بینی است. مسأله اصلی، بی‌ثباتی ساختاری هر دو باشگاه است. تغییرات پی‌درپی مدیریتی و مربیان، تصمیم‌های کوتاه‌مدت و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت باعث شده کیفیت فنی دربی نوسان زیادی داشته باشد؛ گاهی شاهد مسابقه‌ای پرگل و تماشایی هستیم و گاهی با نمایشی کم‌رمق مواجه می‌شویم که خبرنگاران و هواداران از آن با عنوان «دربی بی‌فروغ» یاد می‌کنند.

فاصله‌ای که هر سال بیشتر می‌شود

برای درک عمق مسأله، کافی است نگاهی به برخی از بزرگ‌ترین دربی‌های جهان بیندازیم؛ رقابت‌هایی که با وجود تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی، یک ویژگی مشترک دارند: ساختار حرفه‌ای اجازه نداده اهمیت تاریخی آنها قربانی بی‌ثباتی شود.

سوپرکلاسیکو
بوکا جونیورز - ریورپلیت، آرژانتین

این دربی که یکی از پرشورترین رقابت‌های فوتبال جهان محسوب می‌شود، همچنان در بوئنوس‌آیرس و در ورزشگاه‌های خانگی دو تیم برگزار می‌شود. با وجود مشکلات اقتصادی عمیق آرژانتین، دو باشگاه توانسته‌اند زیرساخت ورزشگاهی خود را حفظ کنند و امنیت مسابقه نیز، هرچند با چالش‌هایی جدی، در چهارچوب سازوکارهای مشخص تأمین می‌شود.

اولدفرم؛ سلتیک - رنجرز، اسکاتلند

رقابتی با ریشه‌های مذهبی و اجتماعی عمیق که سال‌هاست ادامه دارد. نکته قابل توجه این است که با وجود بار احساسی و تاریخی سنگین این دربی، باشگاه‌ها و پلیس اسکاتلند با اجرای پروتکل‌های امنیتی مشخص و برخوردهای جدی با رفتارهای نژادپرستانه و توهین‌آمیز، توانسته‌اند تا حد زیادی از شدت تنش‌های حاشیه‌ای بکاهند؛ بدون آنکه از هیجان رقابت درون زمین کاسته شود.

دربی استانبول
فنرباغچه - گالاتاسرای، ترکیه

رقابتی که از نظر فرهنگی و تاریخی شباهت‌های قابل توجهی با دربی تهران دارد. با این حال، دو باشگاه ترکیه‌ای طی سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری سنگینی روی زیرساخت، بازاریابی جهانی و جذب بازیکنان و مربیان نام‌آشنای اروپایی انجام داده‌اند؛ سرمایه‌گذاری‌ای که کمک کرده این رقابت همچنان در سطح رسانه‌های جهانی دیده شود.

> فوتبال، به‌ویژه در کشوری مانند ایران هرگز فقط یک بازی نبوده است؛ فوتبال بخشی از هویت اجتماعی، اقتصادی و روانی جامعه است. افت جذابیت دربی تهران را نیز نمی‌توان کاملاً جدا از فضای عمومی جامعه تحلیل کرد

ال کلاسیکو
بارسلونا - رئال مادرید، اسپانیا

ال کلاسیکو را می‌توان نمونه‌ای از حرفه‌ای‌ترین سطح ممکن در مدیریت یک رقابت بزرگ دانست؛ از پخش تلویزیونی با استانداردهای جهانی گرفته تا مدیریت رسانه‌ای، امنیتی و بازاریابی. این مسابقه سال‌هاست فراتر از یک بازی فوتبال، به یک رویداد اقتصادی و فرهنگی چندمیلیارد دلاری تبدیل شده است.
نقطه مشترک همه این دربی‌ها آن است که هرچند رقابت و حتی خصومت میان هواداران در آنها وجود دارد، اما ساختار حرفه‌ای، ثبات مکانی، سرمایه‌گذاری مالی و مدیریت رسانه‌ای اجازه نداده‌اند این احساسات به بی‌نظمی ساختاری یا ابتذال گسترده منجر شوند. در مقابل، دربی تهران در سال‌های اخیر همزمان با دو مشکل اساسی دست‌وپنجه نرم کرده است: از یک سو ثبات مکانی و زیرساختی خود را از دست داده و از سوی دیگر، فضای اجتماعی پیرامون آن در برخی موارد، به جای رقابت سالم و کری‌خوانی ورزشی، به سمت ابتذال کلامی و حاشیه‌های فرساینده سوق پیدا کرده است. مسأله اینجاست که دربی فقط به ۹۰ دقیقه فوتبال محدود نمی‌شود. این مسابقه بخشی از فرهنگ شهری و حافظه جمعی چند نسل از ایرانیان است. اگر قرار باشد این میراث صرفاً با تکیه بر نام دو باشگاه و حساسیت تاریخی آنها ادامه پیدا کند، دیر یا زود فاصله میان «شهرت دربی» و «کیفیت واقعی دربی» بیشتر خواهد شد.

کری‌های سخیف
وقتی رقابت به توهین تبدیل می‌شود

شاید تلخ‌ترین بخش این ماجرا، فرهنگ کری‌خوانی‌ای باشد که در سال‌های اخیر پیرامون دربی تهران شکل گرفته است. رقابت هواداری در همه‌جای دنیا وجود دارد و بخشی طبیعی و حتی شیرین فوتبال محسوب می‌شود؛ کری‌خوانی، شوخی و کل‌کل میان هواداران، زمانی که در چهارچوب احترام باقی بماند، حتی می‌تواند به جذابیت مسابقه اضافه کند. اما آنچه در فضای مجازی و رسانه‌ای ایران درباره دربی شاهد آن هستیم، در بسیاری از موارد از مرز شوخی و رقابت سالم عبور کرده و به توهین و تخریب متقابل نزدیک شده است.
حتی برخی پیشکسوتان و چهره‌های محبوب فوتبال که زمانی نماد وقار و افتخار برای هواداران خود بودند، این روزها با ادبیاتی که منتقدان آن را «سخیف» توصیف می‌کنند، بیش از آنکه به تحلیل فنی بازی کمک کنند، به تخریب متقابل دامن می‌زنند. این مسأله زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که چنین رفتارهایی از سوی چهره‌هایی صورت می‌گیرد که به‌دلیل جایگاه و سابقه‌شان، الگوی بخشی از هواداران محسوب می‌شوند. این روند در میان هواداران عادی نیز جریان دارد. پیش از هر دربی، موجی از فحاشی و درگیری کلامی در فضای مجازی میان هواداران دو تیم شکل می‌گیرد؛ تا جایی که باشگاه‌ها گاه ناچار می‌شوند با صدور بیانیه‌های رسمی، نسبت به «صدای ناهنجار بی‌اخلاقی» که به گفته خودشان «حریم احترام و شرافت» را می‌شکند، ابراز نگرانی کنند. مشکل اما اینجاست که این بیانیه‌ها اغلب واکنشی و مقطعی‌اند و کمتر به ریشه‌یابی و حل پایدار مسأله منجر می‌شوند.

چرا این اتفاق مهم است؟

فوتبال، به‌ویژه در کشوری مانند ایران، هرگز فقط یک بازی نبوده است؛ فوتبال بخشی از هویت اجتماعی، اقتصادی و روانی جامعه است. افت جذابیت دربی تهران را نیز نمی‌توان کاملاً جدا از فضای عمومی جامعه تحلیل کرد. در شرایطی که بخش بزرگی از مردم با دشواری‌های اقتصادی، تورم و کاهش قدرت خرید دست‌وپنجه نرم می‌کنند، فوتبال یکی از معدود فضاهایی بوده که می‌توانسته لحظاتی از شادی جمعی و هیجان مشترک را به مردم هدیه دهد.
وقتی همین فضا نیز گرفتار بی‌نظمی مدیریتی، بی‌ثباتی مکانی و ادبیات توهین‌آمیز می‌شود، جامعه یکی دیگر از منابع محدود نشاط و سرگرمی جمعی خود را از دست می‌دهد. از سوی دیگر، رشد فرهنگ کری‌خوانی سخیف را می‌توان بازتابی از قطبی‌شدن فضای اجتماعی نیز دانست؛ پدیده‌ای که فراتر از فوتبال، در حوزه اجتماعی دیگر هم قابل مشاهده است.

راه‌حل چیست؟

بازگرداندن جذابیت دربی تهران، به اقدامی چندلایه نیاز دارد، نه یک تصمیم ساده و مقطعی. نخست، اتمام هرچه سریع‌تر بازسازی ورزشگاه آزادی و بازگرداندن دربی به خانه اصلی‌اش، شرط اولیه هر بهبودی است؛ زیرا بدون ثبات مکانی، بخش مهمی از آیین و هویت اجتماعی این مسابقه شکل نمی‌گیرد. دوم، ثبات مدیریتی و برنامه‌ریزی بلندمدت در دو باشگاه ضروری است؛ از سرمایه‌گذاری واقعی روی زیرساخت‌ها گرفته تا جذب بازیکنان باکیفیت و ایجاد شرایطی که سطح فنی مسابقه را ارتقا دهد.
سوم و شاید مهم‌تر از همه، مسئولیت‌پذیری رسانه‌ای و اجتماعی است. چهره‌های فرهنگی، سیاسی و ورزشی باید بپذیرند که نقش آنها در تشدید یا تلطیف فضای هواداری، فراتر از یک شوخی ساده است. باشگاه‌ها نیز به‌جای صدور بیانیه‌های واکنشی و مقطعی، به سیاست‌های بلندمدت فرهنگ‌سازی و برخورد جدی با ناهنجاری‌ها نیاز دارند. دربی تهران هنوز هم می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین دربی‌های خاورمیانه باشد؛ اما بازگشت به آن جایگاه، به چیزی بیش از دو تیم پرطرفدار نیاز دارد. این رقابت به خانه‌ای ثابت، مدیریتی حرفه‌ای، فوتبال باکیفیت و هوادارانی نیاز دارد که بدانند مرز میان رقابت سالم و ابتذال کلامی، هرچند باریک، مرزی است که نباید نادیده گرفته شود.

عکس: فارس

دربی قربانی فوتبال بی‌ثبات

برش

البته نمی‌توان تمام تقصیر را متوجه بازیکنان یا حتی مدیران دو باشگاه دانست. دربی، آینه‌ای از وضعیت کلی فوتبال ایران است. وقتی باشگاه‌ها با مشکلات مالکیتی، مدیریتی، مالی و زیرساختی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، طبیعی است که مهم‌ترین مسابقه آنها نیز از تبعات این بی‌ثباتی در امان نماند.
دربی برای بازگشت به جایگاه گذشته، بیش از آنکه به شعارهای تبلیغاتی نیاز داشته باشد، به تصمیم‌های جدی نیاز دارد: ورزشگاه مناسب، برنامه‌ریزی حرفه‌ای، ثبات مدیریتی، سرمایه‌گذاری واقعی و البته بازگشت ستاره‌هایی که بتوانند کیفیت فنی مسابقه را بالا ببرند.
دربی استقلال و پرسپولیس هنوز هم بزرگ‌ترین رقابت باشگاهی ایران است و میلیون‌ها هوادار دارد؛ بنابراین سخن گفتن از «مرگ دربی» اغراق‌آمیز است. مسأله این است که این مسابقه، بخشی از شکوه و کیفیتی را که روزگاری داشت، از دست داده است. اگر مسئولان فوتبال ایران همچنان تصور کنند صرفاً نام استقلال و پرسپولیس برای زنده نگه داشتن این هیجان کافی است، ممکن است دربی به‌تدریج از یک «رویداد ملی» به یک مسابقه مهم لیگ تقلیل پیدا کند؛ مسابقه‌ای که نامش بزرگ است، اما دیگر به اندازه گذشته، قلب فوتبال ایران را به تپش نمی‌اندازد.

وقتی فوتبال به جنگ هویت‌ها تبدیل می‌شود

از بوئنوس‌آیرس تا تهران

رویداد

فوتبال گاهی از یک بازی ساده فراتر می‌رود؛ از مرزهای مستطیل سبز عبور می‌کند و به بخشی از هویت یک شهر و حتی یک ملت تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، «دربی» دیگر فقط ۹۰ دقیقه رقابت برای سه امتیاز نیست. پشت هر تقابل، تاریخی از اختلاف‌های طبقاتی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد؛ تاریخی که در روز مسابقه دوباره زنده می‌شود.
از بوئنوس‌آیرس تا گلاسکو و از استانبول تا تهران، شهرآوردهایی وجود دارند که میلیون‌ها نفر را پای تلویزیون می‌نشانند و گاهی حتی فضای یک شهر را برای چند ساعت تغییر می‌دهند. اینجا فوتبال، زبان مشترک یک جامعه برای بیان تفاوت‌هایش است.

سوپرکلاسیکو؛ جنگ بوکا و ریور

کمتر دربی‌ای در جهان به اندازه سوپرکلاسیکوی آرژانتین با واژه «تعصب» گره خورده است. تقابل بوکا جونیورز و ریور پلیت در بوئنوس‌آیرس، نبرد دو غول فوتبال آرژانتین و یکی از مشهورترین رقابت‌های جهان است؛ رقابتی که گفته می‌شود بخش بزرگی از فوتبالدوستان آرژانتین خود را متعلق به یکی از این دو باشگاه می‌دانند.
داستان از محله «لا بوکا» آغاز شد؛ جایی که هر دو باشگاه ریشه‌های خود را در آن پیدا کردند. اما مسیر دو تیم به‌تدریج از یکدیگر جدا شد. ریور پلیت در سال ۱۹۳۸ به منطقه مرفه‌تر «نونیز» رفت و به دلیل هزینه‌های سنگین و بازیکنان گرانقیمت، لقب «میلیونرها» را به دست آورد. بوکا اما در لا بوکا ماند و هویت کارگری خود را حفظ کرد. همین تفاوت، به بخشی از هویت این رقابت تبدیل شد؛ ریور با فوتبال زیبا و هجومی شناخته شد و بوکا با جنگندگی و تعصب.
نخستین دیدار رسمی دو تیم در سال ۱۹۱۳ برگزار شد و این رقابت در طول بیش از یک قرن، بارها به جنجال و درگیری کشیده شده است. حتی در سال ۱۹۳۱، یکی از مسابقات دو تیم پس از تنها ۳۱ دقیقه، به دلیل درگیری بازیکنان نیمه‌تمام ماند. در بوئنوس‌آیرس، روز سوپرکلاسیکو روز عادی نیست؛ شهری که فوتبال در آن گاهی شبیه یک مذهب رفتار می‌کند.

ال کلاسیکو؛ فوتبال در سایه سیاست

اگر سوپرکلاسیکو نماد تعصب باشد، ال کلاسیکو را باید یکی از سیاسی‌ترین رقابت‌های فوتبال جهان دانست.
رئال مادرید و بارسلونا، دو باشگاهی که روی کاغذ برای پیروزی در یک مسابقه فوتبال رقابت می‌کنند، در واقع نماینده دو هویت متفاوت نیز هستند. رئال مادرید در بخش مهمی از تاریخ معاصر اسپانیا با حکومت مرکزی و هویت اسپانیایی پیوند خورده و بارسلونا به نماد هویت کاتالان تبدیل شده است.
شعار معروف بارسلونا، «بیشتر از یک باشگاه»، شاید بهترین توصیف برای جایگاه این تیم در جامعه کاتالونیا باشد. در طرف مقابل، رئال مادرید نیز تنها یک باشگاه ورزشی نیست؛ باشگاهی است که سال‌هاست نماد قدرت فوتبال پایتخت اسپانیا محسوب می‌شود.
از دی‌استفانو و پوشکاش تا کرویف، مارادونا، رونالدو و مسی، بزرگ‌ترین ستاره‌های تاریخ فوتبال در این رقابت نقش داشته‌اند. به همین دلیل، ال کلاسیکو حتی برای کسانی که علاقه‌ای به فوتبال اسپانیا ندارند، یک مسابقه ویژه است؛ مسابقه‌ای که در آن فوتبال، تاریخ و سیاست به هم می‌رسند.

دربی میلان؛ رقابت دو همسایه زیر یک سقف

در میلان اما داستان شکل دیگری دارد. اینتر و میلان، دو غول فوتبال ایتالیا، در رقابتی موسوم به «دربی دلا مادونینا» روبه‌روی هم قرار می‌گیرند؛ نامی که از مجسمه مریم مقدس بر فراز کلیسای جامع میلان گرفته شده است. ریشه جدایی دو باشگاه به سال ۱۹۰۸ بازمی‌گردد؛ زمانی که گروهی از اعضای میلان بر سر سیاست باشگاه در قبال بازیکنان خارجی از این تیم جدا شدند و باشگاه اینترناسیوناله را پایه‌گذاری کردند.
اما نکته جذاب این رقابت، تنها تاریخ تأسیس دو باشگاه نیست. اینتر و میلان سال‌هاست یک خانه مشترک دارند: ورزشگاه سن‌سیرو.
دو رقیب بزرگ، یک ورزشگاه، یک شهر و دو هویت متفاوت. همین هم‌خانگی، به دربی میلان جذابیتی منحصربه‌فرد داده است؛ جایی که یک هفته ورزشگاه خانه یک تیم است و هفته بعد، خانه دشمن همیشگی.

دربی رم؛ پایتختی با دو چهره

در رم، رقابت میان رم و لاتزیو از جنس دیگری است. «دربی دلا کاپیتاله» یا دربی پایتخت، یکی از پرتنش‌ترین مسابقات فوتبال ایتالیا محسوب می‌شود.
باشگاه رم در سال ۱۹۲۷ از ادغام چند تیم رمی شکل گرفت؛ هدف، ایجاد تیمی قدرتمند برای رقابت با باشگاه‌های شمال ایتالیا بود. لاتزیو تنها باشگاه مهمی بود که به این پروژه نپیوست و همین مسأله یکی از ریشه‌های رقابت تاریخی دو تیم شد.
نخستین دربی در سال ۱۹۲۹ برگزار شد و رم با یک گل پیروز شد. اما این رقابت خیلی زود از فوتبال فراتر رفت. تفاوت‌های اجتماعی و غیرورزشی میان بخش‌هایی از هواداران دو تیم، به فضای دربی رنگ سیاسی بخشید و در طول سال‌ها، درگیری‌های شدید میان هواداران نیز بارها خبرساز شد.
در رم، وقتی دو تیم وارد زمین می‌شوند، فوتبال برای ساکنان پایتخت ایتالیا به مسأله‌ای شخصی تبدیل می‌شود.

دربی استانبول؛ نبرد دو سوی یک شهر

استانبول شاید تنها شهری باشد که دربی بزرگش را می‌توان «بین‌قاره‌ای» نامید.
گالاتاسرای در بخش اروپایی شهر و فنرباغچه در بخش آسیایی قرار دارند و رقابت این دو باشگاه، بیش از یک قرن است که فوتبال ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. این رقابت در ابتدا تنها یک دوئل فوتبالی نبود؛ تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی میان هواداران دو باشگاه نیز به آن هویت خاصی بخشید.
یکی از مشهورترین تصاویر تاریخ این دربی در سال ۱۹۹۶ ثبت شد؛ زمانی که «گرایم سونس»، سرمربی اسکاتلندی گالاتاسرای، پس از قهرمانی تیمش در جام حذفی، پرچم باشگاه را در میانه زمین فنرباغچه به اهتزاز درآورد. اقدامی که شاید از نظر ورزشی تنها چند ثانیه طول کشید، اما برای هواداران گالاتاسرای به یکی از ماندگارترین لحظات تاریخ باشگاه تبدیل شد.
دربی استانبول همچنان یکی از پرشورترین و پرتنش‌ترین مسابقات فوتبال ترکیه است؛ مسابقه‌ای میان دو سوی یک شهر که حتی جغرافیا هم نتوانسته آن را از هم جدا کند.

وقتی ۹۰ دقیقه، خلاصه یک قرن می‌شود

دربی‌ها را نمی‌توان تنها با تعداد گل‌ها، قهرمانی‌ها یا برد و باخت‌ها سنجید. اهمیت آنها در داستانی است که پشت هر مسابقه قرار دارد.
در بوئنوس‌آیرس، پایگاه اجتماعی و طبقه به فوتبال راه پیدا می‌کند. در گلاسکو، مذهب روی سکوها می‌نشیند. در بارسلونا، هویت منطقه‌ای و سیاست به بخشی از رقابت تبدیل می‌شود. در استانبول، جغرافیا و تفاوت‌های اجتماعی دو سوی شهر را مقابل هم قرار می‌دهد و در تهران، تاریخ فوتبال ایران در قالب رقابت استقلال و پرسپولیس روایت می‌شود.
شاید راز ماندگاری دربی‌ها همین باشد؛ آنها مسابقه‌ای میان ۲۲ بازیکن نیستند. پشت هر پیراهن، میلیون‌ها هوادار ایستاده‌اند و پشت هر هوادار، خاطره‌ای شخصی از پیروزی، شکست، کری‌خوانی و افتخار وجود دارد.
به همین دلیل است که وقتی سوت آغاز یک دربی به صدا درمی‌آید، برای میلیون‌ها نفر، یک مسابقه فوتبال آغاز نمی‌شود؛ یک روایت قدیمی دوباره زنده می‌شود.